

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید



دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۸  
ویژه اول ماه مه روز جهانی کارگر  
قیمت ۵ ریال

سازمان چریک های فدائی خلق ایران

## جشن اول ماه مه به کارگران ایران خجسته باد

امسال کارگران میهن ما پس از سالها اول ماه مه را در سراسر ایران جشن می گیرند .  
" سازمان ما " ضمن تبریک این روز بزرگ به کارگران ایران از تمامی کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی و دمکراتیک می خواهد که برای همبستگی با " شورای هماهنگی برگزاری اول ماه مه و پشتیبانی از کارگران بیکار ، در مراسمی که روز اول ماه مه ( سه شنبه ۱۱ اردیبهشت - ساعت ۹ صبح ) در محل خانه کارگر ( خیابان ابوریحان ) برگزار می شود ، شرکت نمایند .  
محل برگزاری :  
خیابان انقلاب ( شاهراه سابق ) خیابان ابوریحان ، خانه کارگر .



## اول ماه مه روز همبستگی کارگران سراسر جهان

از سال ۱۸۸۶ میلادی که روز اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارگر شناخته شد هشتاد و سه سال به زوال ۱۲۹۹ نیز که روز اول ماه مه برای نخستین بار در ایران جشن گرفته شد ، پنجاه و نه سال می گذرد . اما فشار و اختناق و ترور در جامعه ما و بخصوص بر روی کارگران آنقدر زیاد بوده است که هنوز سده زیادی از کارگران ماحتی نمیدانند روز اول ماه مه چه روزی است ، چه تاریخچه ای دارد و هدف از برگزاری آن چیست ؟  
اول ماه مه را " عید کارگران سراسر جهان " خوانده اند . ولی اگر ما در این عید کارگری فقط شادی و پایکوبی کنیم و برای بزرگداشت مقام کارگر دست به راهپیمایی بزنیم ، کافی نخواهد بود . اول ماه مه محصول مبارزه کارگران و خود سلاخی برای این مبارزه است و بدون درک رابطه آن با مبارزات کارگری ، معنایی نخواهد داشت .

اول ماه مه زمانی در آمریکا بعنوان روز کارگر شناخته شد که شرایط و حشمتناک کار که بیش از ۱۴ ساعت در روز بود و در مواردی به ۱۸ ساعت هم می رسید ، جان کارگران را به لب آورده بود . آنها دیگر نمیتوانستند این شرایط غیر انسانی و همچنین بد رفتاریها و جریمه ها را تحمل کنند ، بخصوص که بالاترین دستمزدی که به آنها داده می شد ، اگر در تمام طول سال حتی بدون اینکه بیمار شوند کار میکردند ، فقط نیمی از مخارج خانواده شان را تامین می کرد . به همین جهت لازم بود که زنها و بچه های کارگران هم با شرایط خیلی سخت تر و دستمزد پایینتری مشغول بکار شوند تا مخارج خانواده تامین شود .

در چنین شرایطی بود که کارگران آمریکا پس از شکست اعتصابات و اعتراضات پراکنده خود ، بتدریج متوجه شدند که تنها با اتحاد هر چه بیشتر و همبستگی کارگران است که میتوان به پیروزی رسید . از همین رو کارگران صنعتی آمریکا تصمیم گرفتند در روز اول ماه مه کار را متوقف کنند و برای رسیدن به خواست های خود دست به اعتصاب و تظاهرات بزنند . مهمترین خواست آنها کاهش ساعات کاری به ۸ ساعت در روز بود . به این ترتیب تنها در روز اول ماه مه نزدیک به ۴۰۰ هزار کارگر در سراسر آمریکا با شعار " هشت ساعت کار در روز " دست از کار کشیدند و به راهپیمایی پرداختند .

در شیکاگو پلیس به کارگران حمله کرده و تعدادی از کارگران کشته و زخمی شدند . صدها کارگر در مناطق و شهرهای مختلف دستگیر شدند و رهبران آنها را در دادگاه محاکمه کردند . یکی از رهبران کارگران به نام " پارستر " که از جنگ پلیس گریخته بود ، برای اعلام همبستگی با رفقا ی همزمش که محاکمه می شدند و طلبانه وارد دادگاه شد و خود را معرفی کرد . شهادت کم نظیر این کارگر انقلابی در دفاع از آرمان طبقه اش در شرایطی که میدانست مجازات اعدام در انتظار اوست ، همواره الهام بخش کارگران مبارز سراسر جهان بوده است . او در آخرین دفاع خود در دادگاه گفت :  
" عالیجنابان ، در موقع مخاطب قراردادن این دادگاه ، من به عنوان نماینده یک طبقه در مقابل نماینده طبقه ای دیگر صحبت می کنم . " این دادگاه سرمایه داران بود که کارگران و پیشروان آنها را به محاکمه کشیدند . بود و حکم این دادگاه هم چیزی جز مرگ نمی توانست باشد . پارسنر و یارانش در حالیکه سرودهای انقلابی می خواندند به استقبال مرگ در راه آزادی طبقه کارگر رفتند .

تراژدی شیکاگو سبب شد که کارگران آمریکا و سراسر جهان که عمیقاً به خشم آمده بودند تصمیم بگیرند که هر ساله در روز اول ماه مه تظاهراتی بیکارچه و عظیم برای ادامه مبارزه کارگران قهرمان شیکاگو برپا کنند و ضمن تقویت اتحاد و همبستگی کارگران جهان ، هر چه بیشتر برای رسیدن به خواستهای خود مبارزه کنند . این مبارزات پیگیر سرانجام توانست روز بقیه در صفحه ۳

## چگونه کارگران جهان چیت را در آستانه اول ماه مه به گلوله بستند

و خروشان به خیابان ریخت . کارگران کارخانه های دیگر هم که خواستهای خود را در فریادها و مشت های گره کرده کارگران جهان چیت می دیدند به اجتماع آنها پیوستند .  
صفوف کارگران هر لحظه متشکل تر شدند و در میان حیرت و نگرانی رهگذران راه خود را به سوی جاده کرج باز کرد .  
بهبتر است شروع و ادامه این واقعه را از زبان یکی از کارگران چهار چیت که در این روز در میان سایر رفقای کارگر خود بوده و در جریان تیراندازی زاندارم ها قسمتی از پایش را از دست داده نقل کنیم :  
" وقتی ماهه خیابان آمدم تعدادمان از ۱۵۰ نفر هم بیشتر بود . ما می خواستیم پای پیاده به تهران بیاییم و جلو وزارت کار اجتماع کنیم . البته برای این تصمیم هیچ برنامه ریزی قبلی نشده بود و رهبری مشخص نداشت . علت اعتراض ما پائین بودن حقوق و بی توجهی فاتح ( کارفرما ) به خواستهای ما بود . به عنوان مثال من در آن موقع با اینکه یازده سال سابقه کار داشتم و متاهل بودم ، فقط روزی ۷۵ ریال می گرفتم . یادم می آید وزارت کار در همان روزها حداقل حقوق را ۱۰ تومان تعیین کرده بود اما " فاتح " حاضر نبود حقوق ما را زیاد کند . ماحتی حاضر بودیم روزی ۵ ریال به حقوقمان اضافه شود و به همین منظور هم بیست و مهندس خلیلی " رفتیم اما او ما را تهدید به اخراج کرد . ناراضی می ما بقیه در صفحه ۳

هشتم اردیبهشت سال ۵۰ در تاریخ کارگری ایران جای ویژه ای دارد . در این روز ارتش مزدور رژیم سرمایه داری وابسته پارسیک چهره ضد انسانی و ضد کارگری خود را به نمایش گذاشت و در راه حفظ منافذ سرمایه داران ، خون گروهی از کارگران و زحمتکشان را به زمین ریخت . سرکوب خونین کارگران مبارز " جهان چیت " نشان داد که رژیم گذشته حتی حاضر نبود تظاهرات مسالمت آمیز کارگران را تحمل کند . در این روز کارگران مایکبار دیگر با این واقعت تاریخی آشنا شدند که چگونه سرمایه داری از همه نیرو و امکانات خود علیه آنها استفاده می کند .

در روز هشتم اردیبهشت سال ۵۰ کارگران جهان چیت در ادامه مبارزات اعتراض آمیز خود برای بدست آوردن حداقل دستمزد دست به راهپیمایی زدند . این حرکت در شرایطی انجام گرفت که رژیم هرنسادی حق طلبانه ای را با گلوله پاسخ می گفت .

کارگران جهان چیت که از همه طرف تحت فشار بودند و " فاتح " کارفرمایشان حتی حاضر به اجرای مقررات فرمایشی وزارت کار هم نبود بی توجه به اخطارها و تهدیدهای عاملان کارفرما و رژیم ، به این راهپیمایی مسالمت آمیز مبادرت کردند .

ساعت ۲/۵ بعد از ظهر هشتم اردیبهشت ، دستهای بر توان کارگران ، درهای آهنی کارخانه جهان چیت را بازگشود و سیل جمعیت فشرده

## یادی از شهدای کارگر سازمان

اول ماه مه روز کارگران است و به راه به شهادت رسیدند یادی کنیم . در این همین مناسبت ، مناسب دانستیم از یادنامه شهدا بشرح مبارزات چند تن از کارگرانی که بخاطر بهروزی طبقه کارگر و کارگران عضو سازمان چریکهای فدائی زحمتکشان آگاهانه مبارزه کردند و در این خلق می پردازیم .

### فدائیان شهید جلیل انفرادی و اسکندر صادقی نژاد

رفیق جلیل انفرادی در یک فراهم کندولی این امر با وجود تلاش خانواده بسیار فقیر در سال ۱۳۲۲ متولد شد . دوران کودکیش بارج و محنت قلمش ناچار شد جلیل را به پرورشگاه بسیار همراه بود . مادرش به تنهایی بهسار می بایست وسیله ادامه زندگی آنان را

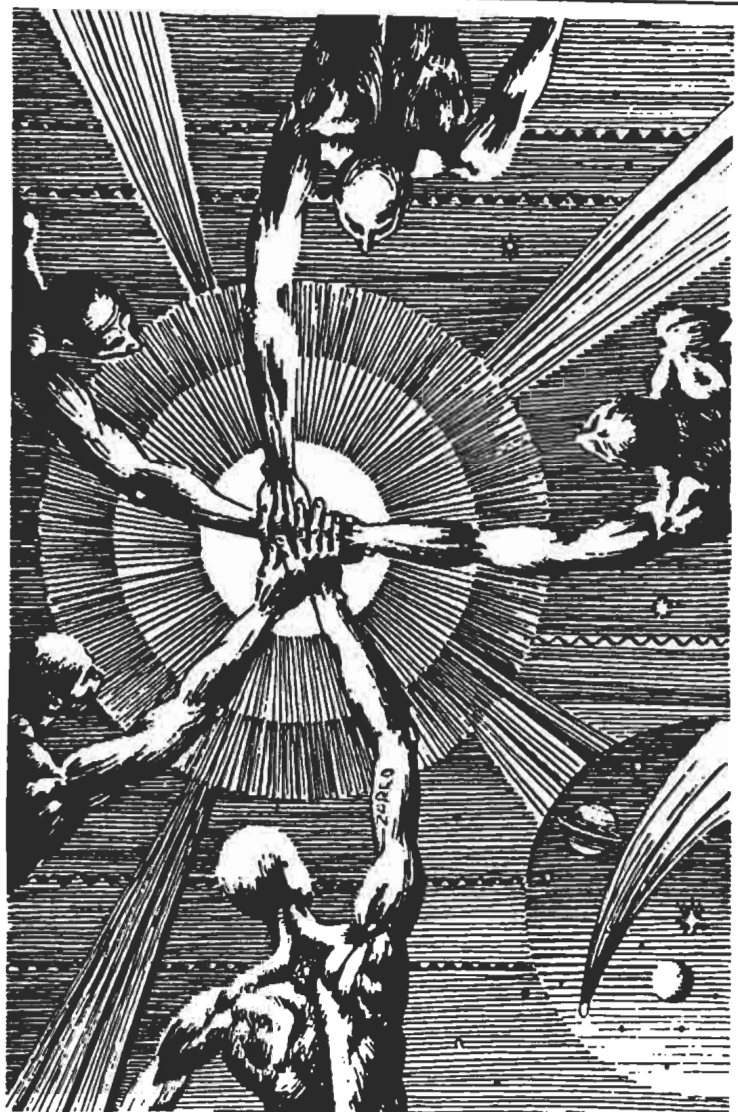


رفیق اسکندر صادقی نژاد

آنچه می خوانید :  
اول ماه مه جلوه زندگای  
از تاریخ مبارزات کار-  
گران جهان ۲  
به پیش او از یاد ببریم  
همبستگی را ۲  
گرامی باد خاطره  
شهدای کارگر ۳  
این عید ماست . بیا  
خیزیم ۴

# اول ماه مه جلوه زنده‌ای از تاریخ مبارزات کارگران جهان

روزالوکزامبورگ از رهبران  
تئوکارگری آلمان و معاصر  
الین بود.  
مقاله ای از این زن مبارز  
به نام "اول ماه مه" ترجمه  
تلخیص کرده ایم که  
بخوانید.



روز اول ماه مه یک واقعه رسیده  
ارسخی از مبارزات طبقه کارگران سراسر  
جهان است و به همین خاطر از ابتدای  
اکنون منعکس کننده تمام مراحل و لحظات  
س مبارزه است. در ظاهر همه همان  
حظات، همان سخنرانی‌ها، مقالات  
نواسه‌ها و گذراندن قطعه‌های مناسه  
کرار می‌شود و از این جهت آنجا که  
بدان فقط در سطح این مسائل مافی  
بی ماند قادر بسند معیبات روابط  
روسی بنده هاراجس کند و تصور  
ی کند که روز اول ماه مه بخاطر تکرار  
برساله اش اهمیت خود را از دست داده  
به نظاره‌ای بی‌محتوی تبدیل شده  
است. روز اول ماه مه دربر خلوه‌نظاره  
کواختن، سخن معبر مبارزه کارگری را  
نهان دارد و به زندگی هماهنگی  
تئوکارگری ادامه می‌دهد و محتوی  
رفرار و فرودس سانگر اوضاع معبرمبارزه  
لغافس.

حش اول ماه مه در دوران تاریخی  
بود که مرحله مهم ریاضت سرگذاشه  
رساله‌های اول، این حش از طرف تمام  
ارگران جهان با انتظار موع العاده  
ناشور و سعفا حاصی بر می‌شد، طبعه  
ارگر به ابزارهای مبارزاتی خود، سلاح  
بندی افزوده بود و اونس آزمایش‌ها  
این سلاح جدید مبارزه، احساس و  
بور مبارزاتی مملوینها انسان تحت ستم  
استثمار را برانگیخته بود. از طرف دیگر  
بورژوازی تمام ممالک کاترس و نفرت هر  
به بیشتر، خود را با نظاره‌های جدید  
بازره طبقه‌ای مواجه می‌دید. نظاره‌ات  
تئوکارگری سوسیالیستی در ذهن  
بورژوازی محدودا سح انترناسونال  
دیمی رازنده می‌گرد. سرگزارای حوراه  
همزمان حش کارگری سس العلی برای  
بورژوازی، همچون نافوس مرکس‌مانه‌داری  
ن نبود. به همین دلیل بورژوازی در  
البهای اول دیوانه وار دست، به مدارک  
سعی زد تا سوانداحظرات ناشی از  
بور اول ماه مه سوسله رور و اعمال مبر  
ریحاعی بی‌روهای ارتش و پلیس مغالنه  
کند. عنوان سنگام اس بیروی مسلح  
بورژوازی، جمهوری آزاد فرانسه‌وارد  
گود شد و پس از آن استناد براری روز  
اول ماه مه در سال ۱۸۹۱ در سهرمورمی  
Fourmies فرانسه اونس بریابی  
خود را داد و در سال ۱۸۹۲ یک سورد  
حوس در لپهان روسه در سهر  
گودز Lodz محرسد. اما طغفات  
حاکم نتوانستند برودی آرا منار دست  
رفته را بارساند و روز اول ماه مه، اعطف

عنوان روری برای نظاره‌ات به رسمت  
شناسد. از طرف دیگر ضروری به‌مطر  
می‌رسد که مرحله‌ای طولانی برای  
ادامه مبارزه پارلمانی و توسعه آرام  
سازماندهی سیاسی و سدیگاشی در  
حش کارگری سیری شود. سالگرد  
روز اول ماه مه در آلمان تصویب  
قوانینی به نفع "سوسیالیستها" را  
همراه داشت. در سال ۱۸۹۳ کارگران  
لزنیک متحد شدند و در سال ۱۸۹۶ کار-  
گران آطرس موفق شدند به پارلمان  
آن کشور وارد شوند. سالهای ۹۰ در  
همه جا دورانی جدید فعالیت‌های  
سدیگاشی و رسد مداومی در ممالک  
پارلمانی طبعه کارگر با خود به ارمغان  
آورد.

حش اول ماه مه داشت کم کم  
تبدیل به یک حش عمومی و مالم  
آمر می‌شد و جامعه بورژوازی با خیال  
آسوده به آن می‌نگریست. اما در  
سالهای اخیر معیبات قابل توجهی  
در موعفت حش کارگری وجود آمده  
است. بار دیگر نادی سهمگین بر فراز  
سپه نبرد و زدن آغاز کرده است.  
در شرق، انقلاب کبیرا کبیر، در آلمان  
تشدید و دو قسطی شدن مبارزه سیاسی و  
اقتصادی، اخراج وسیع کارگران در صنایع  
و متحد شدن تمام احزاب بورژوازی برای  
سروانیدن کارگران از پارلمان در فرانسه  
، پورش و حشانه دولت رادیکال  
علیه سدیگاشا و مبارزات مطالباتی  
کارگران که در سازمانهای قدرتمند  
کارگری متشکل شده بودند...  
سرمابه داری جهانی، وحشانه و عصبی  
دست به حمله می‌زند. و بدین سبب روز  
اول ماه مه وارد مرحله جدیدی  
می‌شود.

وظعه برولناریا امروزه مجهز  
ساخس خوش به خود آگاهی و آگاهی  
به وظایف خود و فعالیت برای دورانی  
است که فرارسدن آن در سازود قسطی  
و مخنوم است و در این مان حش اول  
ماه مه و سله‌ای برای نظاره‌ات معبر  
بوده است. بطور مشخص در آلمان  
می‌بایست عنوان جوانی به شکست  
پارلمانی سوسال دمکراسی در ۲۵  
زانبه حش اول ماه مه ساشکوه و وسع  
هر چه بیشتر بر گزار شود. بنده کارگران  
باید به بنده محدودا ریحاعی بورژوازی  
بگوید: تمامی حواس سدیگاشا ما  
را رانوس گیزی سرون کند، لکس  
اکنون ما خود در انجاشم و سسا مارا  
مصمم بر، هم سته ترور رنده سسرار  
همته می‌باید.  
علاوه بر آنکه گفته شد نکته دیگری

ارحس ماه مه با قدرتی سستر نظاره  
می‌کند و آن، جهانی بودن مسائل  
کارگری است.  
مازما سکه مبارزه طبقه‌ای در هر  
مملکتی از حداقل میزان آزادی‌های  
دمکراتیک برخوردار است و تا زمانیکه  
پارلمان می‌تواند کارمندی احسام  
دهد، حش کارگری هم در هر کشور  
محدود می‌ماند و جهانی نمی‌شود. اما  
همسکه مبارزه ارحال دمکراسیک و  
پارلمانی به سبب حالت مبر ۳-  
عسر حش می‌دهد و همسکه مبارزه  
صرحانه مرز برخوردار نبوده‌ها  
بدرسه‌های حاکمه بر دیک می‌نمود،  
آستکار می‌شود که طبعه کارگر در سطح  
جهانی مطرح و وحدانی سادرس است.  
بندارکات هرساله سوررواری برای روز  
اول ماه مه در همه ممالک به طبعه  
کارگر اس باد آوری رامی‌کند که  
مبارزه آزادی‌سخت او مبارزه ای‌نگانه  
و متحد در سراسر جهان است. اما امروز  
در خط اول ارتش کارگران جهان  
برولناریا روسه فرار دارد، برولناریا  
در سوس اغلاب و مبارزات اغلابی  
اشن برولناریا و تحریکات و مشکلات  
سرگرس مدرسه تاریخی سسراری  
سردهای آینده است.

روز اول ماه مه امسال با نفس  
تازه بر نوا اوج می‌گردد و همانند  
همان دوران اول ساعر و و وحشت  
بورژوازی و یگانگی و شوق مبارزاتی  
طبعه کارگر استقبال می‌شود.  
از همان ابتدا نظاره‌ات کارگری  
برای ۸ ساعت کار روزانه و صلح جهانی  
به نظاره‌ات برای اغلاب برولتتری  
تبدیل می‌شود. شکوفایی غیرمنتظره-  
ای به وجود می‌آید. زیرا روز اول ماه  
مه زاده همان طوفان سهمگینی است که  
جامعه بورژوازی را به لرزه در آورده و ما  
را بظرف سخت ترس مبارزات و  
همچس بیرونی نهایی سوسوی  
می‌دهد.

(۱) - ماه آوریل سال ۱۸۹۳ در بلرک  
برای اولس بار در تاریخ حش کارگری  
سس العلی اسحاب سیاسی سسراری  
با حواس جوانان عمومی سه  
وفوع سوس که در آن ۲۵۰۰۰۰ کارگر  
سرتک کردند. اس اسحاب سسراری  
و توسعه اساسی قانون اسحاب بلرک  
احامد.  
۲- بخاطر اسحاب، نظاره‌ات کارگران  
اطرس با حواس حق اسحاب عمومی.  
دولت اطرس محبوس به سبب سیاسی  
شود.

## به پیش! و از یاد نبریم همبستگی را

برتولت برشت  
سرود همبستگی  
خلفهای جهان متحد شوید.  
برای نبرد در راه آرمان مشترک  
جهانی که به ما همه، روزی می‌دهد  
باید از آن همه باشد بی‌شک  
به پیش! و از یاد نبریم  
در چیست قدرت ما.  
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری  
به پیش! و از یاد نبریم  
همبستگی را.  
ای سیاه! سرخ! زرد! سفید!  
بحث و نزاع دبیرین را به کناری گذارید  
اگر با هم سخن گوئید، خواهید دید  
هش اختلافی ندارید.  
به پیش! و از یاد نبریم  
در چیست قدرت ما.  
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری  
به پیش! و از یاد نبریم  
همبستگی را.  
اگر بخواهیم به بیروزی دست یابیم  
هم به تو، و هم به تو، نیاز هست  
هر که ممنوع خویش را در بلا اندازد

خود را در بلا انداخته است.  
به پیش! و از یاد نبریم  
در چیست قدرت ما.  
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری  
به پیش! و از یاد نبریم  
همبستگی را.  
اربابان ما، دودستگی مارا  
با خشنودی می‌نگرند  
زیرا تا مادچار دودستگی هستیم  
آنها ارباب ما هستند.  
به پیش! و از یاد نبریم  
در چیست قدرت ما  
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری  
به پیش! و از یاد نبریم  
همبستگی را  
کارگران سراسر جهان، متحد شوید.  
تا زنجیرهای بندگی را بکنائید.  
شما با ارتش‌های بزرگ خود می‌توانید  
بر هر خود کامگی فائق آئید.  
به پیش! و از یاد نبریم  
و سؤال بطور مشخص این است:  
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری  
فردا، فردای کیست؟  
جهان، جهان کیست؟

آنان را راه لرزه در آورده بود با کشدن سامس  
بارنحکی به زندگی خود خاتمه داد و حمله شکست  
انگر رفیق با حواس سسراریش (شیر و سرفر و سرخو  
فرهاد) که در سالهای مختلف به شهادت رسیدند  
به هم آمخت.  
"جاودانه باد خاطره تمام"  
"شهادت راه آزادی"

چند سبب از آن را برای انداختن و  
نظاره‌اتی حوس "مرک بر شاه خاش" و زنده  
ماد مبارزه رهائی بخش خلق "مردم راز جگونی  
اس برخوردار آگاه کردند.  
بر انجام رفیق سسراری برای آنکه زنده  
به دست دشمن سسراری در حالیکه مراد های او شهر

در سده ۱۳۵۳ هنگامی که رفیق اسرح  
سهری نارفقی دیگر از مرزآبادان وارد ایران شد  
مورد سوسن تئوکار می‌گردد و درگیری سا  
بلس آغاز می‌شود. اس رفقا با وجود سسراری  
گرمازدگی ساعتها در شهر آبادان با سسراری  
زاندار مری و سسراری به ر دو خورد برداختند و

شبه ارف صفحه ۴  
مختصری از زندگی و...  
ضربه‌های سختی وارد می‌کردم.  
بر انجام رفیق سسراری تصمیم سه  
بارگشت، ادامه سسراری در کشور خودش می‌کرد.



بخیه از صفحه اول

### چگونه کارگران جهان جیت ...

هر روز بیشتر می شود با اینکه امکان ارتباط و گفتگو خیلی محدود بود اما توانستیم مقدمات یک اعتصاب عمومی را فراهم کنیم . ماه روز اعتصاب کردیم . در این مدت در محیط کار خانه جمع شدیم و خواستهای خودمان را مطرح کردیم . روز سوم اعتصاب که همان هشتم اردیبهشت بود " راشدی" نماینده اداره کار کرج به کارخانه آمد . ما گمان می کردیم که او برای اجرای مقررات جدید وزارت کار و حمایت از ما به کارخانه آمده اما چند لحظه بعد متوجه اشتباه خودمان شدیم . " راشدی " شروع به سخنرانی کرد و از کارگران خواست بلا فاصله به سرکار بازگردند و الا اخراج می شوند . کارگران شدیداً اعتراض کردند و " راشدی " مجبور شد کارخانه را ترک کند . این را هم بگویم که موقعیکه " راشدی " این نوکر جیره خوار " فاتح " توی اتومبیل خودش نشست و می خواست حرکت کند کارگران بطرف او هجوم بردند و " راشدی " را همراه با اتومبیل روی دست بلند کردند . کارگران مسافت زیادی اتومبیل را روی دست حمل کردند و خارج از کارخانه آن را به زمین انداختند . به این ترتیب نماینده وزارت کار که مطابق معمول حامی کارفرما بود اخراج شد . بعد از این ماجرا سروان منصوری فرمانده گروهان ژاندارمری کرج همراه با چند تا ژاندارم به کارخانه آمد و شروع به تهدید و فحاشی کرد .

کارگراکه در مقابل زورگویی فاتح و حمایت همه جانبه نماینده وزارت کار و ژاندارمری از او خونشان به جوش آمده بود تصمیم گرفتند برای اعتراض از کارخانه بیرون بیایند و به طرف تهران سرازیر شوند . همین سروان منصوری که دستش را بخون ما کارگران آغشته کرد ( ومدتی بعد هم به خاطر این ... خوش خدمتی یک درجه گرفت ) و همچنین سرهنگ خطیبی رئیس ساوا که کرج به کارگرا اخطار کردند که اگر از کارخانه بیرون بیایید هر چه دیدید از چشم خودتان دیده اید . کارگرا در مقابل این تهدید گفتند : " اگر جلو آتش و گلوله برویم بهتر از این است که این زندگی را تحمل کنیم "

حدود ساعت ۲/۵ بعد از ظهر بود که ما از کارخانه خارج شدیم . در طول راه عده ای از کارگرهای کارخانجات دیگر و حتی مردم عادی هم به ما پیوستند . در حدود ساعت ۵ بعد از ظهر بود که در نزدیکی " کاروانسرا سنگی " با ژاندارم ها روبرو شدیم . آنها در سه ردیف به حال آماده باش ایستاده بودند . ما تصمیم گرفتیم به راهپیمائی ادامه بدهیم . وقتی به نزدیکی ژاندارم ها رسیدیم آنها به ما حمله کردند . بعضی از آنها با چوب و چماق به جان جمعیت افتادند و عده ای از کارگرا را مجروح کردند . کارگرا هم با سنگ به مقابله پرداختند . چند لحظه بعد صدای رگبار گلوله همه چیز را عوض کرد . وحشت زده بطرفی فرار کردیم . کناره پیاده روها ، وسط خیابان و حتی توی جوی ها انباشته از آدم بود . بعد از چند لحظه سکوت ، صدای ناله و فریاد از همه جا بلند شد . آن بی شرف هایی که دانسته و نادانسته به نوکری سرمایه دارها درآمده بودند دوباره شروع به شلیک کردند و این بار هم چند نفر دیگر راه خاک و خون کشیدند .

من که پایم تیرخورده بود وسط خیابان افتاده بودم . یکی از رفقایم که تیربه سینه اش خورده بود و آخرین لحظات زندگیش را می گذراند به روی من افتاده بود . هیچوقت صورت معصوم او و چشمهایش را که سعی می کرد باز نگاه دارد از یاد نمی برم . اوقفظ ۱۶ سال داشت و شاید اگر زودتر به بیمارستان می رسید زنده می ماند .

نزدیک غروب بود که تیراندازی تمام شد و ژاندارم ها برای مدتی نگذاشتند کسی به ما نزدیک شود . رفقای کارگر می خواستند به کمک زخمی ها بیایند اما ژاندارم ها مانع می شدند و ما از خونریزی و درد به خود می پیچیدیم . درست پادم می آید که یکی از کارگرا بنام " عباس کمالی " صف ژاندارم ها را شکست و در حالیکه شکمش را با لایحه بود به فرمانده آنها گفت " من هفت بچه دارم ولی از مردن ترسی ندارم . بزیند ، بزیند ... " پس از مدتی ما راه بیمارستان شماره ۲ کرج بردیم . تعداد شهدا و زخمی ها هنوز هم معلوم نیست . از کارگرهای جهان جیت حداقل سه نفر کشته و شانزده نفر هم زخمی شدند . از کارگرهای کارخانجات دیگر و از مردم عادی و رهگذر هم تعدادی کشته و زخمی شدند که لااقل ده نفر شهید و بیش از پنجاه نفر هم زخمی شده بودند . مثلا یک شوفاژ اتوبوس ، یک شاگرد نانوا و یک خانم که از حمام آمده بود تیر خوردند و کشته شدند .

### اسامی شهدا و مجروحان جهان جیت

از کارخانه جهان جیت : " علی کارگر " ۲۲ ساله ، " حسین نیکوکار " ۱۶ ساله و " مسیح الحشم فیروز " ۱۶ ساله شهید شدند . ( پادشان گرامی یاد ) علی محمد رضا حسینی ، اکبر دانشی ، فیض اله خردفلاح ، حسن دره شیری محمد سپهری ، محمدرضا فیض آبادی ، حسین فاتحی ، حسین رشیدی حبیب اله عطار وردی ، محمد اسلامی ، اجاقعلی پور اکبری ، علی محمد قادریان و محمد گودرزی ، هم عده ای از زخمی های این کارخانه بودند که بیشتر آنها نقص عضو پیدا کردند و هنوز هم از ناراحتی و عوارض آن رنج

# گرامی باد خاطره شهدای کارگر

## که با دلاوریهای خود نقش ارزنده ای در قیام ایفا کردند



در جریان قیام خونین خلق قهرمان ایران ، کارگران نقش برجسته ای داشتند . در این قیام صدها کارگر رزمند - علیه استعمار وستم جنگیدند و به شهادت رسیدند . از آنجا که به نام و عکس همه آنها دسترسی نداشتیم ، اسامی و عکس چند تن از آنها را در این ویژه نامه منتشر می کنیم .

پادشان گرامی و خاطره شان جاودان باد



ابوالفضل شیخ زاده ، رحمت الله روحانی ، اکرم مرادیان ، علی اکبر ذهابی ، ظاهر بارانی ، حسین سلکی ، علی صدر زاده ، عبدالله امام محمدی کارگر



محمد دستان کارگر نفت ، علی بوستانی ، حشمت اله پیرانوند ، ابوالقاسم علاءالدین ، بهرام زندی

وسایست های ضد کارگری و ضد انقلابی خود نتوانست از شکل و قدرت ج کارگری استفاده کند و جنبش به بیراهه کشیده شد . بار دیگر جشن روز نیز حالت مخفی و پراکنده پیدا کرد . کارگران مجبور بودند جشن خود بشکل مجلس عروسی و نظائر آن برگزار کنند تا پلیس متوجه نشود . از اواسط دهه ۴۰ به بعد ، سندیهای مترقی مانند سندیکای فک مکانیک و یافنده سوزنی ، این روز را با قاطعیت تمام جشن می گرفتند . د سالهای اختناق و سرکوب ، اعضا گروه کوهنوردی سندیکای فلز کار مکا به سرپرستی رفقای کارگر شهید ، اسکندر صادقی نژاد و جلیل اعرادی ، آ بلندی در شب اول ماهه برفراز قله توچال می افروختند . آتشی که مظهر انتهاب و شور مبارزاتی کارگران دلیر ایران بود ، آتشی که در حقیقت انعکاس خشم فروخورده توده بود که از درون پیشاهنگ زبانه می کشید و انقلاب رامیداد .

اکثریت کارگران ماکه در شرایط خفقان هیچگونه مکانی برای کس آگاهی طبقاتی و مبارزاتی در اختیار نداشته اند ، هنوز هم با مفهوم وا روز اول ماه آشنا نیستند . این وظیفه کارگران مبارز و آگاه است که در هر روز اول ماه به اسامی ، در شرایطی که روز اول ماه به برای نخستین بار پس از سرنگونی رژیم پهلوی بطور علنی و آزاد و غیرفرمایشی برگزار می شود بانمایش قدرت عظیمی که در همبستگی و اتحاد کارگران نهفته است مظهر واقعی روز کارگر را آشکار کنند و با کارگران سراسر جهان برای سرنگون نظام ظالمانه سرمایه داری تجدید عهد کنند .

کارگران — سراسر جهان متحد شوید  
کارگران و زحمتکشان ایران ، متحد شوید

### اول ماهه روز همبستگی ...

اول ماهه را بعنوان روز کارگر تثبیت کند و حتی بیشتر دولت ها نیز ناگزیر شدند آن را به رسمیت بشناسند .

در کشور ما ایران جشن اول ماهه برای نخستین بار در سال ۱۲۹۹ - برگزار شد . در این سال به ابتکار " شورای مرکزی اتحادیه کارگران " که از پانزده اتحادیه تشکیل شده بود ، تظاهرات وسیعی در تهران و شهرستانها صورت گرفت . جنبش کارگری و سندیکائی ایران در این تظاهرات کاملاً آشکار شد .

در دوران خفقان و دیکتاتوری سیاه رضا خان قلدر ، کارگران ایران جشن روز کارگر را غالباً بطور مخفی برگزار می کردند . اما از سال ۱۳۲۰ به بعد که مبارزات کارگری در ایران ابعاد گسترده تری پیدا کرده بود ، مراسم اول ماهه هم بطور علنی برگزار می شد . در سال ۱۳۲۵ در تظاهرات اول ماهه ۲۵۰ هزار نفر شرکت کردند و گوشه ای از قدرت طبقه کارگر را به نمایش گذاشتند . در همین سال دهها هزار نفر از کارگران نفت جنوب دست به اعتصابی عظیم و یکپارچه زدند . که یکی از خواستهای آن قبول تعطیل اول ماهه به عنوان جشن کارگری بود . دولت تسلیم شد و این خواست را پذیرفت اما هرگز به تعهد عمل نکرد و تعطیل روز کارگر را به رسمیت نشناخت .

با کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به جنبش کارگری و سندیکائی ایران نیز ضربات سهمگینی وارد آمد . رهبری جنبش بخاطر خصلت دنباله روی

می برند ... کارگر جهان جیت که ماجرا را برای ما نقل می کرد هنوز از درد بسیار می نالد و در اثر این حادثه به بیماری " غش " مبتلا شده بود . او چیزهای زیادی از وحشیگریهای ما و موران حتی در بیمارستان تعریف می کرد . اومی گفت : « بجای معالجه زخمی ها که در آستانه مرگ بودند از آنها بازجویی می کردند . برای یک " بوکه فشنگ " که من به عنوان مدرک همراه خودم برده بودم ، هفته ها از من بازجویی می کردند و در این مدت من ممنوع الملاقات بودم . پس از این واقعه چند روز کارخانه در اشغال نظامی ها بود و عده ای از کارگران فعال را اخراج کردند و چند نفر را که از سربازی معاف شده بودند به سربازی بردند . از جمله غلامعلی دوگر ( موحدی مهر ) راه منطقه بد آب و هوا فرستادند . »

از او سؤال کردیم اگر آن روز می دانستی که در تظاهرات پایت

را از دست می دهی در تظاهرات شرکت می کردی گفت : " البته هیچکند مانی دانستیم که آنها ممکن است به ما حمله کنند . ما حداقل حق خودمان را می خواستیم و حتی شعار هم نمی دادیم " در برابر اصرار ما که می خواستیم بیشتر از مضمون این حرکت آگاه ، یکی از کارگران نسبتاً مسن که در جمع کارگران بود گفته " مساله خیلی تر از این حرفها بود که شامی زیند . مساله دیزی آبگوشت بود . ما نداشتیم که بخوریم " . سؤال کردیم که عکس العمل کارگران در مقابل اعدام انقلابی فاجابتکار چه بود ؟ احساس می شد که هنوز هم کارگرا جرات نمی کنند حرف دلش را بی پرده بزنند . فقط یکی از آنها با کتایه گفت : " اگر هم کارگرا شیرین دادند در بیرون از کارخانه بود . "

# مختصری از زندگی و مبارزه چندتن از شهدای کارگر سازمان ما

## فدائی شهید یوسف زرکاری



یوسف در دیماه ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری به دنیا آمد. نه ساله بود که پدرش درگذشت و مجبور شد برای تامین مخارج خانواده از همان سالهای کودکی به کارگری بپردازد و در نتیجه تا کلاس یازدهم بیشتر درس نخواند. کار در کارخانه واقعبیت استعمار را به رفیق نشان داد. پس از اینکه جنبش نوین انقلابی علیه رژیم فاشیستی شاه در سال ۱۳۴۹ در جنگل سیاهکل توسط "چریکهای فدائی خلق" آغاز شد و تحولی کیفی در مبارزات خلق ما به وجود آمد، رفیق یوسف زرکاری راه درست مبارزه را انتخاب کرد و علیه رژیم کمی سن از اولین کسانی بود که به صف انقلاب مسلحانه ایران پیوست. رفیق پس از مدتی فعالیت در شهر یورماه ۱۳۵۰ در شرایط فاشیستی ایران، بوسیله سازمان منفر و امنیت دستگیر شد. بعد از یکسال از زندان آزاد شد و با پیگیری و پشتکار زیاد توانست با سازمان "چریکهای فدائی خلق" تماس بگیرد. رفیق زرکاری پس از ارتباط با سازمان تجارب یکساله



رفیق جلیل انفرادی

صفائی فراهانی در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ عملیات تعرض در جنگلهای شمال را آغاز نمودند و در ستاخیز شکوهند سیاهکل را به وجود آوردند. در این هنگام رفیق اسکندر صادقی نژاد در تهم شهر به فعالیت های انقلابی خود مشغول بود. سرانجام رفیق جلیل پس از اسارت در تاریخ ۲۷ اسفند ۴۹ پس از تحمل شکنجه های دژخیمان بدست مزدوران رژیم شاه اعدام گردید و نام خود را در سینه خلق جاودانه ساخت.

رفیق اسکندر صادقی نژاد به همراه رفقای سازمان به مبارزه خود در شهر ادامه داد تا اینکه در تاریخ سوم خرداد ۱۳۵۰ در یک درگیری با ماموران ساواک به شهادت رسید.

خاطره شان گرمی باد

رفیق جلیل سالها پیش از آنکه به صف انقلابیون مسلح بیبوند فعالیت خود را در کنار رفیق اسکندر صادقی نژاد در سندیکای فلزکار و مکانیک آغاز نمود. در اینجا بود که زندگی این دور رفیق تا پایان زندگیش به هم بافته شد. جلیل و اسکندر مدت ها دبیر سندیکای فلزکار و مکانیک بودند و کارگران عضو سندیکا هرگز خاطره کوششهای این دور رفیق را در جهت احقاق حقوق خود فراموش نمی کنند. جلیل و اسکندر در دوران فعالیت سندیکائی همراه با سایر رفقای کارگران یک سازمان کوهنوردی به وجود آوردند. این سازمان کوهنوردی در سال ۱۳۴۳ پناهگاهی برفراز قلعه توجال ساخت و این یادگار کار دسته - جسی را پناهگاه کارگران نام نهادند که هم اکنون نیز پابرجاست.

اسکندر صادقی نژاد ابتدا و جلیل انفرادی در پی او در جرگه مبارزین وارد شدند که خود را برای اقدام مسلحانه بر علیه رژیم شاه جنایتکار آماده می ساختند. آنها بخاطر رهائی خلقی که آنهمه دوستان می داشتند و بخاطر رهائی طبقه کارگر در سازمان چریکهای فدائی خلق بدست گرفتند و آماده نبرد تاریخی شدند که واقعت ستم طبقاتی آنرا الزامی می ساخت.

رفیق جلیل انفرادی به همراه سایر رفقای مبارز، تحت رهبری علی اکبر

## فدائی شهید جعفر اردبیلچی



بار توده زحمتکش آشنا شد، و در یک آهنگری به عنوان کارگر مشغول به کار شد و بعدها به عضویت سازمان چریکهای فدائی خلق درآمد.

رفیق جعفر در بهمن ماه ۱۳۴۹ همراه رفیق منافع فلکی و چندتن از رفقای هم رزمش در اولین عملیات مسلحانه که به کلانتری ۵ تبریز بود شرکت کرد. رفیق جعفر در سال ۱۳۵۰ دستگیر و پس از شکنجه وحشیانه مزدوران رژیم در ۲۲ اسفند همان سال به همراه ۸ تن از دیگر رفقای فدائی به دست دژخیمان رژیم تیر باران شد.

گرمی باد خاطره پرشور رفیق

## فدائی شهید اصغر عربهریسی



۲۲ اسفند سال ۵۰ به همراه ۸ تن دیگر از رفقای فدائیش به دست دژخیمان رژیم شاه تیرباران شد.

"یادش گرمی باد"

رفیق جعفر اردبیلچی در یکی از محلات تبریز به دنیا آمد و تحصیلات ابتدائی خود را در همان شهر به پایان رساند. در آغاز جوانی با زندگی مشقت

اصغر در یک خانواده کارگری متولد شد. او تا دوره اول متوسطه درس خواند ولی وضع بد مالی خانواده اجازه ادامه تحصیل را به او نداد و ناچار به کارگری در کارگاه آهنگری مشغول شد. آشنائی با رفقا صمد بهرنگی و علیرضا ناسابدل در ارتقا سطح آگاهی سیاسی او موثر بود. او در ارتباط با همعین رفقا بعدها به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست. او در عملیات مسلحانه به کلانتری ۵ تبریز در سال ۴۹ شرکت داشت.

در بهار سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و حشمتا کترین شکنجه هارا با مقاومت بی نظیری تحمل کرد و سخن نگفت. در

## فدائی شهید حسن نوروزی



رفیق حسن نوروزی در سال ۱۳۲۵ در یک خانواده کارگری در شهر تهران متولد شد. پدرش از کارکنان راه آهن و یکی از فعالین جنبش کارگری و عضو حزب توده بود که در اوایل سالهای ۳۰ بعثت درک فرصت طلبی و بی لیاقتی رهبران حزب توده از آن کناره گیری کرده بود. بدین ترتیب رفیق نوروزی در یک خانواده سیاسی و آگاه رشد کرد.

زندگی رفیق نوروزی از همان دوران نوجوانی با کارگری و سرگردانی سپری شد. او پس از چند سال کار در شهرهای جنوب مانند بوشهر، کرمان و شیراز، به تهران آمد و در کارخانجات شاه پیوسته مشغول بکار شد و به این ترتیب کار در کارخانجات نجات بزرگ تجربه کرد. او یکسال تمام به عنوان کارگر شب کار از نیمه شب تا صبح در این کارخانه کار کرد. مدتی بعد رفیق نوروزی در کارخانجات راه آهن دولتی استخدام شد.

در این زمان بود که رفیق نوروزی با گروه سیاسی رفیق احمدزاده ارتباط برقرار کرد و به

## فدائی شهید ایرج سپهری



رفیق ایرج سپهری در سال ۱۳۲۷ در شهر بابل متولد شد. از سن جوانی برخلاف تمایلات و معیارهای خانوادگیش به کارگری پرداخت. او در این شرایط و محیط کارگانه، گردآوری و آیدیه شد. او هرگز کارگری مطیع و سرسبز نبود.

رفیق ایرج سپهری در جریان مبارزه به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست و از این طریق با برادرانش که در صفوف مقدم مبارزه بودند، دوباره پیوند خورد. در بهائیز سال ۵۰ ایرج سپهری از جانب سازمان امنیت منور شاه دستگیر شد و مدتی به زندان افتاد.

خودش می گفت: " زندان برای من آموزشگاه بزرگی بود ". پس از آزادی متأسفانه ارتباط او با سازمان چریکهای فدائی خلق قطع شده بود. او هرچه تلاش کرد نتوانست این ارتباط را دوباره برقرار سازد. بدین جهت تصمیم گرفت که به فلسطین برود. او زن و دو فرزندش را که بسیار هم دوستانه می داشت ترک

خود را در زندان در جزوه ای تنظیم کرد که تحت عنوان "خاطرات یک چریک در زندان" منتشر شد. یوسف زرکاری در تاریخ ۱۷ دیماه ۱۳۵۲ در درگیری با ماموران سازمان امنیت در اصفهان شهید شد. او هنگام شهادت ۴۱ ساله بود.

با ایمان به پیروزی راه او

عضویت این گروه درآمد. رفیق نوروزی در سال ۱۳۵۰ در مرکزیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرار گرفت و ثابت نمود که کارگران ایران بخوبی قادر هستند در رهبری مبارزات خلق شرکت جسته و موثرترین نقشه ها را در سازماندهی بر عهده گیرند.

در تاریخ ۱۹ دیماه ۵۲ رفیق حسن نوروزی در یک درگیری مسلحانه در منطقه لریستان بدست مزدوران رژیم سرسپرده شاه به شهادت رسید.

جاودانه باد خاطره رفیق

## این عید ماست، بیا خیزید

- این است، عید ماست، عید ماست
- عید رنج و تلاش.
- عید دست های پیسته بسته و فولاد
- عید مشت برافراشته دودکش های کارخانه
- عید فریاد.
- عید خروش
- عید خشم
- عید سروش.
- عید پتک
- عید سندان
- عید کارگران سرتاسر جهان
- این عید ماست، به پا خیزید
- تا زمین در زیر ضربات گام های مابه لریزه درآید
- بها خیزید
- تا با توان بازوان پولادین خویش
- زمین را در مدار دیگری به گردش اندازیم
- در مدار کار و شرف
- این عید ماست
- بها خیزید
- تا صف کار را
- در میدانی به وسعت فریاد
- بسیج کنیم
- تا رنجک مشت های گره کرده خود را
- در فضای دودزده کارخانه
- منفجر کنیم
- و حنجره رنج را بر فراز دودکش ها بنشانیم
- واژ آنجا سرود رنجبران را بر خوانیم
- که: اینک مائیم
- فرزندان کار و شرف
- پیروزی از آن ماست.
- بها خیزید
- ایقانوس خلقهای جهان در تلاطم و غوغاست
- به پا خیزید تا سرود کار را سردهیم
- که سرود فتح ماست
- سرود فتح شرافت و انسان
- سرود ایمان
- ایمان به توان دست های پولادین رنجبران
- بخند!
- این عید ماست
- بخند!
- خورشید فتح، در افق پیداست.
- بخند!
- خنده
- بر لبان رنجبران
- چه زیباست!



# اول ماه مه را هر چه باشکوهتر بر گزار کنیم